

بسم الله الرحمن الرحيم

## آنچه پیش روی خوانندگان ارجمند قرار دارد، سلسله مباحثی است برگرفته از دروس خارج فقه آیت الله ر شاد تحت عنوان «فقه زیست فناوری»

### اشاره

وارد فروع فقهیه مربوط به این حوزه مهم شدیم. اولین مسئله ذیل اولین فصل از ساختار پیشنهادی مطرح شد. اولین فصل عبارت بود از بُعد و عرصه علم؛ حکم فعالیت علمی در قلمرو زیست فناوری چیست. در این بخش هم طبق منطقی که قبلاً پیشنهاد داده بودیم گفتیم اول باید بررسی کنیم که علی الاطلاق حکم اولی کار علمی در زمینه زیست فناوری چیست؛ آیا مباح است، آیا مستحب است، آیا واجب است، آیا مکروه است، آیا حرام است؛ کار علمی در زمینه زیست فناوری مشمول کدام یک از احکام خمسہ تکلیفیه می شود. اول مسئله را بررسی کردیم و اجمالاً حسب ادله ای که اقامه شد حکم به اباحه و جواز کردیم. هم به ادله قرآنی، هم روایی به اجمال و اشاره به ادله عقلی و فطری و به بعضی از مبادی نظری مربوطه داشتیم و به مسئله دوم که حکم ثانوی فعالیت علمی در زمینه زیست فناوری چیست رسیدیم.

### بررسی حکم ثانویه تحقیق در موضوعات زیست فناوری

#### تقسیم حکم ثانوی به ایجابی و سلبی و مشخص کردن مرتبه آن

مسئله اول پرسش از حکم فعالیت علمی در قلمرو زیست فناوری علی الاطلاق بود؛ اما این جا می خواهیم با لحاظ شروط و قیود محتمل یا مسجل بررسی کنیم حکم ثانوی فعالیت علمی در زمینه زیست فناوری چیست. حکم ثانوی می تواند به جهات مختلفی تقسیم شود:

که آیا حکم ثانوی فعالیت علمی در زمینه زیست فناوری ایجابی است؟ ایجابی در حد جواز اباحه که مسئله اول بود منظور نیست بلکه ایجابی در حدی که پشتوانه الزامی باشد؛ خفیف آن مستحب و شدید آن واجب می شود.

وجه دوم اینکه حکم ثانوی جنبه سلبی داشته باشد. آن جا هم نسبت به ضعف و شدت به دو مرتبه تقسیم می شود: حکم کراهی و حکم حرمت. بنابراین در لایه حکم ثانوی ما می توانیم دو مسئله را مطرح کنیم. حسب اسبابی که موجب بروز حکم ثانوی بر این موضوع می شوند، گاه وجه مثبت را ایجاب می کند که خود یک مسئله است و گاه حیث سلبی (کراهت و حرمت) را سبب می شود که این نیز مسئله دیگری است.

بعد از مسئله اول که بررسی جواز و عدم جواز فعالیت علمی در زمینه زیست فناوری علی الطلاق و به مثابه حکم اولی و اولاً و بالذات بود، مسئله دوم و سوم ما این است که به اقتضاء اسباب ثانویه، حکم ثانوی ایجابی یا سلبی این امر چیست. به این ترتیب فروع دوم و سوم به دست می آید. بنای ما بر مرور اجمالی است ولیکن مسئله فروع جزئیة بسیاری دارد؛ به جهات مختلف می توان

همین حکم ثانوی را تفصیل داد و مسائل کثیره‌ای را تولید کرد زیرا حکم ثانوی در مقابل حکم اولی که جواز مطلق بود حکم را ناظر به قسم خاص یا شیوه خاص یا حد و مرتبه خاص یا غرض و غایت خاص یا شرایط و ظروف خاصه‌ای مورد بحث قرار دهیم؛ به این معنا که ممکن است همین حکم ثانوی اگر دقیق‌تر و با تفصیل مسائل مرتبط به مرحله ثانویه مورد بررسی قرار گیرد بعضی از تصرفات در خصوص بعضی از اقسام، حکمی داشته باشد در حالی که همان نوع تصرف در خصوص بعضی دیگر اقسام حکم فرق کند؛ یعنی حکم کار ژنتیک و مطالعه ژنتیکی در پی کار زیست‌فناورانه در زمینه نبات با حوزه و زمینه حیوان تفاوت کند و یا حکم یک نوع از فعالیت علمی و احیاناً استخدام آن داده علمی در خصوص حیوان چیزی باشد و در خصوص انسان متفاوت شود. لذا این جا در همین مرحله یعنی از نظر آن قسم خاص از متعلق فعالیت علمی که ما این فعالیت علمی را روی چه چیزی انجام بدهیم نباتات یا حیوانات یا انسان کائنات حیّه یا مشتقات موجودات زنده بسا حکم نوعی از فعالیت علمی در قیاس با این موارد متفاوت شود.

هم‌چنان به بررسی اجمالی فعالیت علمی در زمینه زیست فناوری پایبند هستیم یعنی ممکن است به لحاظ مرتبه فعالیت و اینکه تا چه حدی فعالیت علمی انجام دهیم [مسئله را] بررسی کنیم مانند اینکه فقط در حد بهسازی نباتات، یا تغییر اساسی در نوعی از نبات، نوعی میوه، نوعی از غذا، نوعی از دوا و با توجه به اینکه از حداقل تا حداکثر تصرف اصلاح نباتات تا ایجاد نوعی نبات در صورت که به این عمل گفتیم شبه خلقت؛ البته خلقت نیست چون خلقت برای خالق تعالی است؛ بنابراین نه تنها [کابرد واژه خلقت در تصرفات انسانی] مجاز نیست که اصلاً ممکن نیست که بخواهیم بحث کنیم جایز هست یا نه. چنان‌که در خصوص انسان مثلاً با سلول‌های بنیادی دست به استنساخ بزنیم که این خلقت نیست ولی بر یک اطلاق مسامحه آمیز یا یک معنای لغوی ممکن است نوعی خلقت قلمداد شود.

پس نه تنها از حیث نوع متعلق مطالعه امکان تفریع فروع هست بلکه می‌توان به لحاظ تعدیلات و تصرفاتی که در موجودات می‌کنیم هم مسائل مختلفی را فرض کنیم و مورد بحث قرار دهیم و بسا حکم هریک از آن مسائل تولید شده با نوع دیگری از آن تفاوت کند.

### بررسی حکم ثانویه ایجابی

چنان‌که گفته شد حکم ایجابی گاه الزام ندارد که این حالت استحباب را ایجاب می‌کند و گاهی الزام دارد که آن سبب ایجاب کننده قوی است و در نتیجه یک مرتبه شديده‌ای از حکم ایجابی را در پی می‌آورد که اسم آن وجوب است؛ پس بنابراین ما در حکم ایجابی با دو مرتبه و دو احتمال مستحب بودن یا واجب بودن مواجه هستیم. مواردی از باب مثال بحث می‌شود؛ موضوعات یا اسبابی که موجب حکم ایجابی نسبت به فعالیت علمی و نتایج حاصل از آن می‌شود.

**مثال اول (استحباب)** اگر مصالح اساسی امت و تحفظ بر اساس دین در حدی از حدود در گرو علم بیوتکنولوژی باشد -یعنی کار علمی بما هو فعل علمی محل بحث ما نیست که حکم اولی اش اباحه شد- بلکه عوامل و اسبابی مازاد بر ذات فعالیت علمی در این فعالیت دخالت می‌کند و آن سبب دخیل گاه شدید و گاه خفیف است؛ عامل و سبب در این حد است که شرایط زندگی را تحسین و بهسازی می‌کند؛ مانند اینکه در فرآیند دادرسی ما بطور متعارف از شیوه‌های متعارف برای احراز هویت می‌توانیم استفاده کنیم اما اگر بتوانیم کار علمی کنیم و آن گزاره‌ها و قضایای مربوط به DNA را کشف کنیم و این اطلاعات به دست آمده را در فرآیند دادرسی مورد استفاده قرار دهیم و فرآیند دادرسی را بهبود می‌بخشد یا موجب اِثقان بهتر می‌شود یا موجب سرعت عمل بیشتری در فرآیند دادرسی می‌شود، این مستحب می‌شود و به حدی نیست که امر دادرسی حل معضلات موارد مهمی از امر قضا در گرو

علم به DNA باشد. DNA انسان اگر به لحاظ علمی شناخته شود و قضایا و گزاره‌های مربوط به آن فراچنگ دانشمندان بیاید و قضات بتوانند استفاده کنند امور را تسهیل می‌کند که این یک حدی از ایجاب است و روشن است که حکمش استحباب است.

ولی گاهی مواردی پیش می‌آید و کاربردهایی پیدا می‌کند و یا حتی قبل از کاربرد و استخدام اطلاعات علمی مربوط به زیست فناوری خود تسلط بر این معارف و کشف قوانین حاکم بر حیات قبل از استخدام و اعمال آن پیامدهایی دارد؛ پیامدهایی در حد الزام. یا در کشف و کاربرد آن قضایا و فرمول‌هایی که به دست آورده‌ایم پیامدهای الزامی دارد و عدم کشف و نتیجتاً عدم توان بر کاربرد آن پاره‌ای خسارت‌های معتنی به دارد. خب در این صورت قهراً به سمت الزام حکم می‌کند و در مواردی حکم وجوبی می‌شود.

**مثال دوم (وجوب)** اگر در دنیایی که دنیای مسابقه علمی و فناورانه است که همه ملل و ادیان در یک مسابقه نفسگیر درگیر هستند و امت اسلامی هم یکی از این ملل قلمداد می‌شود و حفظ آن برتری والا و درخور و فراخور امت، در گرو آن است که ما در مسابقه مربوط به مسائل و مطالعات علمی در زمینه زیست‌فناوری شأن مناسبی را احراز کنیم تا علو مرتبه اسلام و امت اسلامی حفظ شود و قاعده علو الإسلام حفظ شود، سیادت مسلمین نسبت به دیگر ملل و اقوام و امم حفظ شود یا پیشرفت کند و این همه در وهله اول در گرو تحصیل علم به تکنولوژی زیستی است. خود علم به این حوزه و زمینه را فراچنگ داشته باشیم مایه اعتلای اسلام و برتری جامعه اسلامی است یا اقلأً کاربرد و کاربرست قوانین مکشوفه موجب اعتلا، برتری و کسب رتبه درخور و فراخور شأن برای امت اسلامی می‌شود که لازمه کاربرست و کاربرد درک و دریافت است.

به عنوان مقدمه واجب ما اول باید کار علمی در زمینه زیست فناوری کرده باشیم که پس از آن به استخدام آن معارف حاصله دست بزنیم که به این ترتیب مقام و موقعیتی در این مسابقه عظیمی که امروزه بشریت درگیر آن هست پیدا کنیم. در یک مراتب و حدودی از چنین حالت و وضعیتی حکم از حالت جواز به حالت استحباب بلکه به حالت وجوب ارتقاء پیدا می‌کند یعنی بسا بتوانیم قائل شویم حفظ علو اسلام و سیادت مسلمین در گرو کار علمی در زمینه زیست فناوری و احیاناً در مواقعی هم کاربرست آنچه به دست آمده است می‌باشد.

بنابراین بر دانشمندان جهان اسلام واجب کفایی است که به کار علمی بپردازند؛ یا در حوزه الهیات و مباحث کلامی شبهاتی ناشی از پیشرفت زیست‌فناوری و معلومات و اطلاعات مربوط به این زمینه مهم ایجاد شده است که پاسخ‌گفتن به این شبهات عقیدتی که عقاید مؤمنین را متزلزل می‌کند و اساس دین را سست می‌کند ما باید از زوایا و دقائق و ظرائف زیست‌فناوری آگاه باشیم؛ فرضاً وقتی در توحید و خالقیت شبهه می‌کنند، بتوانیم ماهیت زیست‌فناوری و تصرفات و تعدیلات در حیات حیوانات را فهم کنیم و بدانیم فرآوری سلول‌های بنیادی به معنای خلقت نیست و ماهیت این عمل با ماهیت خلقت متفاوت است و بتوانیم تبیین کنیم و پاسخ این شبهه را بدهیم. خب چنین موردی نیز می‌تواند حکم ایجابی را پیش روی ما قرار دهد.

**مثال سوم (وجوب)** معالجه بعضی از بیماری‌های صعب‌العلاج در گرو آن است که ما مطالعات زیست فناورانه کنیم و به قوانین حیات آگاهی پیدا کنیم و بتوانیم آن قوانین را به استخدام درآورده و به کار ببندیم تا بعضی از بیماری‌های صعب‌العلاج را معالجه کنیم. درمان این بیماری‌ها منحصر در رهن اطلاع و علم به قوانین حیات و فعل و انفعالاتی است که بر اثر طی فرآیندهای زیست فناورانه می‌تواند اتفاق بیفتد. با این بیان برای دانشمندان واجب کفایی می‌شود که در پی مطالعه زیست‌فناورانه باشند و قواعد و قوانین حیات را کشف کنند و توان بر کاربرست آن‌ها پیدا کنند و انسان‌های بیمار را معالجه کنند. معالجه انسان بیمار مخصوصاً در

بیماری های دشوار و صعب العلاج از واجبات است؛ درمان دردِ دردمندان بر انسان مسلمان مکلف واجب است و افرادی به حد کفایت باید توان پیدا کنند و به چنین فعالیت هایی دست بزنند.

**مثال چهارم (وجوب)** همچنین اگر احتمال داده یا یقین کنیم که منابع سنتی غذا و دوا کفاف نیاز امت اسلامی یا حتی بشریت را نمی دهد و این احتمال معتدّ به باشد اگر حل این مشکل و معضل و رفع این نیاز شدید و اساسی در گرو مطالعات زیست فناوریانه و تسلط بر قوانین حیات و فراچنگ آوردن ضوابط و سنن حاکم و توان برای کاربرست داده های علمی باشد و اگر چنین چیزی پذیرفته شود \_ممکن است این موضوع محقق نشود ممکن است این احتمالِ درستی نباشد اما علی فرض صحت احتمال یا تحقق آن \_حکم قضیه ایجابی شدید خواهد بود و الزام شدید خواهد شد و بر عده ای واجب می شود مطالعه کنند و علاوه بر منابع غذایی یا دوائی موجود به منابع جدیدی دست پیدا کنند که مبدا بشریت و امت اسلامی دچار قحطی شود و بیماران به لحاظ دسترسی به دارو دچار مشکل بشوند. همچنین احیاناً حفظ نباتات، اشجار، حیوانات و محیط زیست در گرو کار علمی دقیق و کسب توان برای کاربرست آن قوانین و فرمول هایی که بر اثر مطالعه در حوزه زیست فناوری به دست آمده در حدی است که اگر چنین نکنیم حیات آدمی تهدید می شود. خب این می تواند سبب شود حکم ثانوی مطالعه علمی وجوب شود و اگر مرتبه نازله ای از این الزام بود حکم ثانوی استحباب بشود.

**مثال پنجم (وجوب)** حفاظت از امنیت انسان، امنیت امت اسلامی و امنیت آحاد امت در گرو فهم مسائل امنیتی مترتب بر زیست فناوری باشد. بدانیم دشمن از طریق کشف و کاربرد شیوه های زیست فناوریانه امت اسلامی را تهدید می کند، جان و امنیت آحادی از مسلمین را تهدید می کند و ممکن است که به شیوه های بیوتکنولوژیک دست به ترور بیولوژیک بزند. این مهم در گرو آن است که ما مطلع باشیم تا بتوانیم ترورهای بیولوژیکی را خنثی کنیم؛ یا فراتر از آن در حوزه نظامی است که دشمن مسلح به سلاح های بیولوژیک شده است و می تواند سلاح های بیولوژیک را به کار ببندد بلکه در مواقعی سلاح های بیولوژیک ویرانگر و به شدت تهدید کننده و خانمان سوز نسبت به بشریت، نسب به امت اسلامی و نسبت به یک ملت مسلمان مشخص به کار برده است. برای مقابله ممکن است بگوییم تولید سلاح های بیولوژیک لازم و واجب است؛ البته بسیار روشن است در صورت قوّت احتمال چنین خطری و یا در صورت فعلیت چنین تهدیدی در حد مواجهه و مقابله و برای خنثی کردن چنین تهدیدی ما مجاز هستیم در این زمینه ورود کنیم. آیا ممکن است جامعه اسلامی را بلا دفاع در برابر سلاح های مدرنی که دشمن به وجود آورده و احیاناً آن را به کار می گیرد رها کنیم؟! و بسا در حد ضرورت حکم چنین فعالیتی واجب باشد که در حد کفایی و در حد ضرورت افرادی ورود کنند و اطلاعات و معلوماتی به دست آورند و حتی با کاربرد آن تولید سلاح هایی کنند برای بازدارندگی در قبال تهدیدات یا مقابله به مثل برای اینکه بتوانند دشمن را به عقب نشینی و تغییر رویه و عدم استفاده از چنین سلاح های خطرناکی وادار کنند.

به هر حال این ها احتمالاتی است که می تواند در جهت تعیین حکم ثانوی ایجابی کار علمی در زمینه زیست فناوری قابل طرح باشد و البته راجع به هریک از این احتمالات و انواع احتمالات دیگری که می توان مطرح کرد باید بحث جدی تر و جزئی تر انجام داد و ادله مربوط به هریک را مطرح کرد و ما هم در جلسات بعد به اجمال نسبت به بعضی از این موارد استدلال خواهیم کرد و إن شاء الله از بحث عبور خواهیم کرد.

و صلّ الله علی محمد و آله الطّیّبین الطّاهرین

